



# نشریه دفتر اطلاعاتی جنبش آزادی بخش ملی ایران

شماره اول

اردیبهشت ۱۳۵۰

سال اول

## اطلاعیه

دفتر اطلاعاتی جنبش آزادی بخش ملی ایران بر اساس نیازمندی مرحله کنونی جنبش دست به انتشار این نشریه می زند ، تا اخبار و تفسیرهای مربوط به رخدادهای جنبش را به بیان صفوف زمامداران خلق در سراسر کشور ببرد و از این طریق به هماهنگی عملیات ضربتی گروههای مسلح و بهم پیوستگی صفوف دسترنده خلق یاری رساند .

دفتر اطلاعاتی جنبش همچنین میکوشد از یکسو در میان صفوف رزمندگان و مبارزین خارج از کشور - با رزم دلاوران خلیق که در پهنه کشور دامن گسترده است - همپایی نماید ، و از سوی دیگر شرایط و زمینه های لازم را برای پیوند علی بین آنها بوجود آورد .

این نکته شایان تذکار است که زمان و نحوه انتشار "نبرد" وابسته به امکانات ارتباطی جنبش در درون کشور و نیازمندیهای آن می باشد و این خود زائیده شرایط ویژه و امکانات موجود این مرحله جنبش است .

تا زمانیکه جنبش آزادی بخش ملی ایران در حالت پراکنده و بدون داشتن مرکزیت واحد عمل میکند ، دفتر اطلاعاتی جنبش با در نظر گرفتن و حفظ اصول و مضمون اساسی جنبش که ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری فاشیستی محمد رضا شاهی است ، کلیه نظرات اعلامیه ها و سایر انتشارات گروههای فعال جنبش را که در چرخش چوب نبرد مسلحانه درون میهن در حال حرکت اند ، منعکس می سازد ، در عین اینکه با طرح نظرات خود بعنوان بخشی از جنبش می گویند برفع کبودهای نظری و علی جنبش کمک نماید .

## اعلامیه

انقلابیون ، کارگران ، دهقانان ، روشنفکران ، روحانیون آزادیخواه و توده های زحمتکش ایران - خلق انقلابی ایران بر اثر مبارزات پیگیر و بی طولانی در یافته است که رهائی از بند و ستم امپریالیسم جهانی و دست نشانگان داخلی بسودمداری شاه خائن فقط از راه انقلاب قهرآمیز میسر است .

بدین جهت در تاریخ ۱۹/۱۱/۴۹ در ساعت ۷ بعد از ظهر روز دوشنبه بدستور کمیته مرکزی جنبش آزادی بخش ملی ایران ، به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل واقع در حوزه شهرستان لاهیجان دست بحمله مسلحانه زده شد ، انقلابیون پس از پیروزی کامل و بیغنیمت گرفتن سلاحهای پاسگاه سالم بموضع خود برگشتند .

این عمل آزادیخواهانه بخاطر مسلح شدن توده های انقلابی ایران و آزاد ساختن میهن و رهائی از یوغ امپریالیسم و ارتجاع داخلی انجام گرفته و همچنان ادامه خواهد داشت . آزادیخواهان ایران ، برای پیروزی جنبش آزادی بخش از امکانات خود استفاده میکنند و بر مبنای این عقاید خن آبیام از هر سو ضربه فرود آورند تا دست امپریالیسم را از میهن خود کوتاه سازیم ، بیساختیم و بیسختی از آن انقلاب ایران را یاری دهیم . اعمال انقلابی ما نشان دهنده همبستگی آزادیخواهی در شرایط کنونی ایران است .

پیروز باد جنبش انقلابی خلق ایران

جنبش آزادی بخش ملی ایران

## رستاخیز

خروش اقیانوس خلق کنتی ناخدای "جزیره آرام" را بصورت کوفت و بی پایگی ادعای رژیم شاه را نشان داد ، خلقهای جهان دیدند که در اقیانوس متلاطم جهان ، ایران "جزیره آرام" - آنطور که رژیم شاه می پنداشت نیست ، بلکه دریای خروشان است ، و این تازه سرآغاز يك طوفان عظیم است ، که رستاخیز بهار را بدنهال دارد .

گسترش روز افزون نبرد توده های آگاه خلق علیه امپریالیسم و ارتجاع فاشیستی حاکم ، مشکلات اقتصادی و سیاسی رژیم و تشدید تضاد های درون خود هیات حاکمه - که همه زائیده رشد تضاد های جامعه است - زمینه مساعد رشد پیکار عمومی توده های مردم علیه امپریالیسم و تلاشی بنیان نظام سلطنت مستبد و پهلوی را بیشتر از پیش فراهم ساخته است .

رژیم شاه بیهوده "توسعه اقتصاد" ایران را بر رخ مردم میکند . امروز بطور آشکار دیده میشود که این "توسعه اقتصادی" نه تنها معرفت یک اقتصاد سالم نیست ، بلکه کلیه شواهد موجود گواهی میدهد که این اقتصاد ناسالم در آستانه يك بحران قریب الوقوع قرار گرفته است که دریر یا زود گریبانگیر رژیم فاشیستی ایران خواهد شد .

بقیه در صفحه ۲

## عملیات ضربتی گروههای مسلح

با رسیدن قوای امدادی پلیس نبرد به شدت بالا میگیرد . بر نتیجه افزایش فوق العاده نیروی پلیس و تشدید شدن حلقه محاصره ده نفر از دوازده نفر موفق میشوند حلقه محاصره را شکسته و فرار کنند . از دو نفری که در محاصره پلیس باقی میمانند یکفر برای اینکه بدست پلیس گرفتار نشود همانجا خود را میکشد و دیگری مجروح میشود و پس از انتقال به بیمارستان ژاندارمری زیر عمل جراحی بشهادت میرسد . سازمان امنیت پس از این واقعه پرتشکمان مربوطه را باین دلیل که ممکن است عمدا او را بقتل رسانده باشند احضار کرده و مورد بازجویی قرار میدهد . روز بعد ، یعنی در ۲۶ فروردین ، شهرتانی کل کشور در روزنامه های تهران اعلام میکند که در جریان تیراندازی میان پلیس و دهنفر از ۹ نفری که تحت تعقیب قرار داشته اند ، یکفر کشته و دیگری دستگیر میشود ، در حالیکه نه دوزنده شهید از ۹ نفر مبارزین تحت پیگرد هستند و نه پلیس موفق میگردد کوچکترین اطلاعی چه در مورد آنان

بدنهال حادثه سیاهکل و حمله رزمندگان مسلح به پاسگاه ژاندارمری و قتل بیش از ۷۵ نفر از نیروهای دولتی در جریان نبردهای چند روزه در جنگلهای شمال ، عملیات ضربتی گروههای مسلح در نقاط مختلف کشور گسترش یافت و کلانتریها ، پاسگاههای ژاندارمری و مواضع نظامی یکی پس از دیگری مورد حمله قرار گرفت و مقام برزبادی سلاح به غنیمت برده شد . جنگهای چریکی شهری با بسط این عملیات ، حمله به بانکها و بالاخره با اعدام انقلابی فرسیو بطور روز افزونی اوج گرفته و ابعاد تازه ای یافت . ما در زیر علاوه بر چاپ آخرین خبرهای مربوط به عملیات ضربتی چریکها ، فهرست وار به سایر درگیریهای مسلحانه پس از سیاهکل نیز اشاره میکنیم :

- در ساعت ۱۲ شب ۲۵ فروردینماه یکده نفره مسلح دوازده نفری به کلانتری ۱۳ واقع در خیابان پامنار تهران حمله میکنند . درگیری مسلحانه گروه با نیروهای پلیس یکساعت بطول می انجامد .

بقیه در صفحه ۲

## جاویدان باد خاطره انقلابی رزمندگان سیاهکل

این مشکلات اقتصادی در زمینه سیاسی مشکلات عظیم تری را پدید آورده است. برنامه های جدید رژیم یکی پس از دیگری با ورشکستگی روبرو شده و میشود و هیچ یک از آنها نتوانسته است خلق بیدار میهن ما را بفریبد و اراده او را در نبرد با امپریالیسم و ارتجاع طبع کند.

تضاد بین خلق و امپریالیسم و گماشتگان بومی آن روز بروز شدت بیشتری مییابد و در نتیجه تشدید این تضاد، اختلاف بین جناحهای هیات حاکمه ایران نیز بر سر چگونگی اداره امور سیاسی بروز کرده است. بخشی از عناصر لیبرال بورژوازی وابسته که خواهان محدود کردن اختیارات مطلقه شاه است، با تکیه به سیاست نویسن امپریالیسم و تغییرات ناشی از آن در جامعه تلاش میکنند، تا از قدرت سیاسی و فعال مایشائی شاه بکاهد. و این قدرت را از طریق واگذاری آن به دستگاه دولتی، تحت سلطه خود درآورند. این خواست با نظریه سخیف جناح طرفدار سلطنت مستبده در تضاد است. جناح شاه مدعی است که "رهبری فردی و مطلق شاه ضامن بقا و موجودیت ایران است و ویژگی جامعه ایران در وجود سلطنت است که بالای طبقات قرار دارد و میتوانست عدالت بین طبقات جامعه را مرعات و ارشاد کند".

اساس اختلاف و تضاد بین جناحهای هیات حاکمه در واقع بر سر مساله چگونگی اعمال تاکتیک های محلیانه تر بقصد جلوگیری از اوج گیری جنبش مردم در نور میزند. عده ای که خواهان حکومت دستجمعی نمایندگان بورژوازی انحصاری و زمینداران بزرگ هستند برای عقیده اند، که واگذاری برخی آزادی های بورژوازی و اجرای کنترل جمعی طبقه برسیاست های دولت مانع رشد شرایط انقلابی در جامعه میشود و وثیقه بهتری برای حفظ نظام استثمارگر و مستحکم موجود است. در برابر این نظریه که حیلایه گری خاص طبقات استثمارگر در آن نهفته است، نظریه شاه و جناح اش قرار دارد که سخت پایبند سنت های فاشیستی رایج در جامعه است و چوب و چماق و داغ و درفتن را بهترین وسیله حکومت فردی و مستبده خود میدانند و معتقد است که واگذاری کوچکترین آزادی های بورژوازی در جامعه منجر به از هم پاشیدن نظام استبداد سلطنتی میگرد و بیم آن میروند که مبارزات ضد ارتجائی خلق پایه های سلطنت مستبده را از هم بپاشد.

هر چند که اختلاف این جناح ها که همگی نشن سوسنگد خورده خلق اند در سطح است و نه در عمق، ولی با وجود این رشد شرایط عینی جامعه و مطالبه بورژوازی جهانی که تنها هدفش سود و فراهم آوردن شرایط لازم و مساعد برای حفظ و توسعه سرمایه گداریهای کلاننمی باشد، دیر یا زود برخورد نهنی شاه غلبه میکند و چه بسا در صورت درگیریهای شدت تر خلق در آینده با هیات حاکمه و امپریالیسم، امپریالیسم بمنظور تخفیف و خاموشی اوضاع و حفظ شرایط موجود بقصد فریب خلق میدان عمل وسیعتری به جناح لیبرال بورژوازی بدهد.

بهر حال تمام این کشمکش های خانگی هیات حاکمه که بیشتر جنبه چانه زدنهای فامیلی دارد، به هیچوجه مشکل کنش مسائل جامعه ما نیست و نمی تواند دردی از درد های خلق ما را درمان کند. تضاد های اساسی جامعه ما که تضاد میان خلق ما و امپریالیسم و گماشتگان داخلی اش می باشد، طی دو سال اخیر در اثر رشد مبارزات مردم شدت بیشتری یافته و حتی روی تضاد های نشوونق هیات حاکمه سایه افکنده است. و شاه با استفاده از این فرصت رژیم فاشیستی خود را بر سایر جناحها تحمیل کرده است و برای مقابله با مبارزه خلق و خواست توده های وسیع مردم همانا به تشدید ترور و اختناق بی سابقه ای در میهن ما دست زده است.

سایر برنامه های جدید رژیم برای سرکوب جنبش آزادی بخش ملی و از آنجمله "جلب" روشنفکران بکلیت چند تن عنصر خود فروش و مطرود، در اثر هوشیاری مردم و خروش دلیرانه مبارزین نقش بر آب شده است. نمایش های پلیسی و سراسر دروغ و بلوف رادیو-تلویزیونی "مقام عالیرتبه امنیتی" "ستاره ابروکمانی" سازمان ضد امنیت شاه که از سال گذشته مد روز شده بود، اکنون دیگر در محافل داخلی و خارجی بصورت مسخره روز درآمده است.

ثابتی "مقام عالیرتبه امنیتی" با تمام بدبیه و کبکیه و دروغهای شاخه ارض نتوانست از این برنامه های جدید رژیم پلیسی شاه طرفی به بندد، جزآنکه رژیم شاه را بی آبروتر سازد.

توخالی بودن عرض اندام های سازمان امنیت شاه در باره تسلط کامل بر کلیه شئون مملکت و عالم الامور بودن اشروقتی رو شده و بصورت طبل توخالی از آب درآمد که مشت محکم خلق بر روی آن کوفته شد و عیان شد که در بغل لوش این سازمان ضد امنیت چگونه سربازان فد اکار خلق به دهها اقدام انقلابی بی درسی علیه دشمنان خلق دست زده اند. و بدین آنکه این سازمان قادر باشد رد پای آنها را بیابد. اقدامات عملی پیشاهنگان خلق ثابت کرد که نمکرگان سازمان جاسوسی آمریکا در ایران افرادی نظیر ثابتی ها و سازمان مربوطه اش نه تنه در مقابل قدرت و ابتکار خلق عاجز و ناتوانند، بلکه به مالخولجیای بزرگ نمائی دچار شدند. جناب "مقام عالیرتبه" امنیتی" در جریان مصاحبه های رادیو تلویزیونی اش همچون لره ای دوغ ندیده در برابر باصطلاح نمایندگان مطالبوعات داخل و خارج چنان دروغهای خود شده بود که حتی قدرت تعقل و انتخاب دروغهای ریز و درشت اش را از دست داده بود. این دروغپردازیها تا بجائی رسید که ابتدا مدعی شد، اکثریت اقرااد شرکت کننده در گروههای سیاسی از عناصر وابسته بسازمان امنیت اند و این سازمان از کوه چکترین حرکت این گروهها مطلع است. بعدا که سر قضیه سیاهگل دید که قافیه تشنه آمده است و نیروهای ضربتی خلق سلاح بدست بپا خاسته و دمار از روزگار ارتجاع درآورده اند، قافیه را عوض کرد و مدعی شد که شرکت کنندگان در قضیه سیاهگل عده ای بیش نبودند که ما گرفتیم و لقمه چپ شان کردیم و بدین ترتیب به غائله خاتمه دادیم. درست هنگامیکه ایشان مشغول مصاحبه تلویزیونی و قدرت نمائی بودند در بغل گوش ایشان و سازمان مربوطه شان کلانتری ها یکی پس از دیگری بدست رزمندگان سلاح بدست خلق، خلع سلاح میشد و فردای همانروز رئیس قضاگاههای شاه، فرسیو بحکم انقلابی خلق از پای درآمد و روز بعد هم رزمندگان خلق مبلغ ۳۰۰۰۰ تومان از موجودی شعبه بانک تنک بزور اسلحه برای صرف مخارج جنبش وصول کردند و بالاخره برخی از احتیاجات جنبش را ۲۴ ساعت بعد از کلانتری آرامگاه و سپس از سایر کلانتریها و پاسگاهها تامین کردند. بی آنکه از خود رد و نشانی بجای گذارند. "مقام عالیرتبه امنیتی" "شاگرد ساعی مکتب سازمان جاسوسی آمریکا با مشاهده این وضع مانند "خر در گل واماند" و ماشینی دروغ سازی اش از کار افتاد. زیرا دیگر نمی توانست مدعی شود که اکثر افراد گروههای سیاسی متعلق به سازمان امنیت اند و نه میتوانست بگوید "غائله" خاتمه یافته است، مگر آنکه قبول می کرد که کلانتری ها را خود شان بخاطر ایام عید "خانه تکانی" کرده اند و موجودی بانک ها را هم برای صرف مخارج شاه و مامورین سازمان امنیت برده اند و فرسیو را بدستور شاه کشته اند. از آنجا که دیگر نه راه پیش و نه راه پس مانده بود، بلند گوهای رژیم بیکاره خفقان گرفتند و پس از چند روز سکوت مرگبار، ناگهان در باره رخداد ها اظهار نظر کردند. اظهار نظری نشاندهنده اوج بلاهتشان بود. آنها وقتی دیدند که قضیه بیخ پیدا کرده و ممکن است در روحیه مردم تاثیر بزرگی بر علیه رژیم بگذارد. مدعی که گذاشت "برای کوچک جلوه دادن دامنه جنبش خلق، مدعی شدند که تمام عملیات اخیر از جانب و تن افراد فراری گروه سیاهگل انجام گرفته که تحت تعقیب مقامات امنیتی کشوراند. با این حرف میزان شعور و درایت پلیسی خود را بر ملا ساختند. ثابت کردند که "قاتلانی فرنگی ناهای" سازمان امنیت در بلاهت دست آجان های مختاری را از پشت بسته اند. و سخت تحت تاثیر فیلمهای "جیمز باند" و سایر محصولات افسانه ای ساخت آمریکا هستند. آخر چگونه و نفر "فراری" و تحت تعقیب هزاران پلیس میتوانست آزادانه از شمال به جنوب و از جنوب به مغرب و از مغرب به مشرق بروند و در سرتاسر استانهای کشور پهنواری نظیر ایران مانند رستم زال، شیخ وار درگند، و در باخاند

و بی آنکه" به نیروی مردم در فاصله کوتاهی متجاوز از ۲۰ عمل انقلابی انجام دهند و ضمن بغنیمت گرفتن مقامییر متناهی سلاح و از پای در آورند ده ها عنصر سازمان پلیسی و جاسوسی، به دون آنکه حتی یک نفر از آنها ندیده شود و با بدست پلیس گرفتار شود، راست راست راه بروند و همچنان بعملیات انقلابی خود ادامه دهند.

گروههای مسلح خلق با ابتکارات و اقدامات جسورانه در سرپای وجود مرتجعین وحشت انداخته اند. روزی نیگدر که افراد مسلح خلق در نقاط مختلف کشور با عملیات ضربتی خود، پوزه سازمان امنیت و سایر دستگاههای پلیسی شاه را بخاک نمالند و ماهیست "غول پای گلین" بودن دستگاههای امنیتی شاه را بر ملا نشانند. پس از رخداد های اخیر کوس رسوائی دستگاههای پلیسی و تبلیغات تی رژیم شاه بر سر هر کوجه و بازاری به نوا درآمد و مردم دریافتند که این نظام پلیسی سخت زخم بردار است. پیروزی بزرگ انقلابیون ایران بیخ سکوت را شکست و شوری نوین در جامعه دمید.

طیروغ تشدید فشار و ترور و اختناق بیسابقه در سراسر کشور مردم ما مبارزه خود ادامه میدهند و رژیم فاشیستی شاه باید بداند که تشدید جنایت و دستگیری هزاران مبارز خلق نمیتواند کوچکترین خللی در اراده رزمجوی توده های مردم بوجود آورد. خلق ما مدتهاست تصمیم تاریخی خود را گرفته و بپا خاسته تا به نظام خشن استبدادی سلطنتی خاتمه دهد و دست امپریالیسم را از توتنهای بیکران میهن ما کوتاه کند.

پس از حوادث آسفند ۴۸ که در واقع سرفراز مرحله تازه ای از ی خلق یا رژیم بود، جنبش آزادی بخش ملی ایران، در رجانگیرو های نوینی را از صفوف طبقات و اقشار مختلف خلق در برگرفت. مبارزه وسیع مردم بر علیه سرمایه گداریهای آمریکا و حوادث مهر آرد دانش آموزان و دانشجویان، اعتراض دستجمعی هنرمندان و نویسندگان و سایر روشنفکران به اوضاع موجود و بالاخره واقعه سیاهگل که تبلور برجسته این مرحله از مبارزه خلق است و رخداد های پس از آن همه و همه نشان تداوم جنبش مردم است. در حال حاضر جنبش آزادی بخش ملی ایران در برگردن نیروهای عظیمی از طبقات و اقشار خلقی است. از کارگر گرفته تا روشنفکر، روحانی، دهقان، دانشجویان هم در یک صف واحد در مقابل امپریالیسم و حکومت دست نشانده اش به مبارزه برخاسته اند. طبقات و اقشار خلقی میهن ما پس از طی مبارزات سالیان اخیر، امروز در زیر شعار سرکوبی نظام فاشیستی موجود و بیرون راندن امپریالیسم از ایران، در راه پیگیری عظیم گام برمیدارند.

**دنباله**  
**عملیات ضربتی**  
**گروههای مسلح**

وجه در مورد سایر رزمندگان بدست آورد. در جریان این رد یک پاسبان بقتل میرسد و عده ای مجروح میشوند.

در خراسان  
در سه هفته گذشته گروههای مسلح دو بار به پاسگاه راند ارمی اطراف مشهد حمله میکنند و سلاحهای آنها به غنیمت می برسند یکی از این دو پاسگاه "پاسگاه شاه تقی" است. حمله به "پاسگاه شاه تقی" که در دروازه مشهد - تربت حیدریه و مشهد - نیشابور قرار دارد و از پاسگاههای مهم منطقه بشمار میروند نمودار در قتل و وسعت دامنه عملیات گروههای مسلح است.

گروههای مسلح چریک در خراسان همچنین به کلانتری های تربت حیدریه و دره کز حمله کرده و پس از خلع سلاح کامل با موفقیت و بدون باقی گذارین رد و نشانی به مواضع خود مراجعت میکنند.

**دو تهران و شهرستانها**  
در تهران یک گروه مسلح به پاسگاه خیابان قدیم شمیران - نزدیک مولن روژ - حمله کرده و علاوه بر مقراری سلاح دستگاه بسی سیم پاسگاه را نیز به غنیمت میرسد. بقیه در صفحه ۴

**خلق ایران جشن شیاطین را با آتش میکشد**

### مشت نمونه خروار است

در جریان اعتصابات سال پیش، دانشگاه تهران و سایر دانشگاهها که دانشجویان شرافتمند و مبارز میهن ما علیه بیادگرهای غنی رژیم فاشیستی شاه به اعتراض قانونی برخاسته بودند، چنانکه خوانندگان اطلاع دارند، این اعتراض و اعتصاب منطقی بوسیله مامورین سازمان امنیت و پلیس شاه به وحشیانه ترین وضع سرکوب شد و دانشجویان شاه نه تنها به دانشگاه هجوم بردند بلکه تا داخل کلاسهای درس نیز به تحقیق و مضروب کردن دانشجویان یان پرداختند. در این جریان صدها دانشجو مضروب و دستگیر و روانه زندان و سرانجام شدند. از جمله شادروان مهندس حسن نیک داودی و فارغ التحصیل دانشگاه پلیسی تکلیک تهران در زیر شکنجه و شکنجه شاه شهید گردید.

صورت مستندی را که در زیر میخوانید تنها مربوط به قربانیان دانشگاه پلی تکلیک تهران است. این صورت را که مشتاقان از خروار است در جلوی چشم بیشتر روز نامه های مزدور حکومت فاشیستی شاه در ایران میگیریم، یعنی روزنامه آیندگان، اطلاعات و کیهان و... که بدستور دانشجویان شاه نوشتند " فقط معدودی دانشجویان ما که عوامل خارجی بودند افتخارات را در نام می زدند... "

همچنین با انتشار این صورت مستند، همه مراجع بین المللی و ارتباط جمعی، مطبوعات و خبرگزاریها سازمانهای حقوقی و شخصیتهای انسانیست و اعلام میکنیم این یک نمونه کیچک و بیگانه فاشیستی شاه ایران است. دانشجویان شرافتمند میهن ما را از پشت میز درس و زندان و زیر شکنجه می برند و به سرانجامها اعزاز میکنند، آنگاه با همه این جنایات با کمال بی شرمی مدعی نهضت مبارزه با بیسوادی میشوند.

### همبستگی دانشجویان خارج از کشور یا مبارزات خلق

همراه با گسترش مبارزات خلق ما و تشدید جنایات رژیم فاشیستی افشارانانه دانشجویان و روشنفکران مترقی خارج از کشور نیز به مقیاس بیسابقه ای افزایش یافت. کف در راسین جهانی که بخاطر مبارزات پیگیر و پرتیر خود علیه رژیم شاه، از طرف داستان نظامی مشمول قانون سیاه ۱۳۱۰ اعلام گردیده بود، علیه رژیم این اعلام و سایر توطئه ها و فشارها نه تنها از مبارزه خود بازماند، بلکه تا سطح تر و یکپارچه تر از هر زمان همپای و همسوئی خود را با جنبش خلق نشان داد. اعتصاب غذا، صاحبها کفرانها و تظاهرات متعدد دانشجویان تحت رهبری کف در راسین جهانی نشان دهنده باز این همپای و همسوئی و تاثیر آن در جلب حمایت افکار عمومی مترقی جهان است.

روز ششم ماه به منظور دفاع از مبارزات جنبش آزادی بخش ملی، بزرگداشت دلاوریهای رزمندگان سیاهگل، اعتراضیه جنایات رژیم و مبارزه بخاطر تشکیل دادگاه غنی با شرکت ناظرین خارجی برای ۵۰ مبارزی که ماههاست در شکنجه گاههای رژیم بسر می برند، از طرف کف در راسین جهانی تظاهرات و کمپین هائی همزمان در اروپا و امریکا ترتیب داده شد. در آلمان روز ششم ماه به یک مارش ده کیلومتری در فرانکفورت ( آلمان غربی) ترتیب داده شد که در آن بیش از سه هزار دانشجوی ایرانی و خارجی شرکت داشتند. مارش با یک کفران عظیم که در آن نمایندگان سازمانهای مترقی، از جمله سازمان دانشجویان فلسطین نمایندگان مطبوعات، رادیو و تلویزیون شرکت داشتند، پایان یافت. در کفران حقوقدانان خارجی که در دادگاههای نظامی ایران بعنوان ناظرین المللی حضور داشته اند بطور مفصل به مساله شکنجه زندانیان سیاسی، اختناق در ایران و جنایات رژیم اشاره نمودند. علاوه بر این بسیاری از روسای دانشگاهها، شخصیتها و سازمانهای مترقی جهان طی تلگرافها و پیامهایی کف در راسین مخاطره کردند، پشتیبانی خود را از مبارزات خلق ما و دانشجویان آن اعلام داشتند.

از جمله پیامهای رسیده، پیام جبهه آزادی بخش فلسطین " فتح " از بیروت بود که تلفی به فرانکفورت مخابره گردید. روزهای ششم و هفتم ماه به نیز کفران و تظاهرات مشابهی با شرکت در حدود چهار هزار نفر در برلین غربی ترتیب داده شد. در نتیجه مبارزات افشارانانه دانشجویان ایرانی در خارج در جلب حمایت و همبستگی وسیع نیروهای ضد امپریالیست جهان نسبت بقیه در صفحه 4

ردیف	نام و شهرت	تاریخ و محل تولد	تاریخ تحویل بسمراخان	دانشگاه	وضع تحصیلی	طرح محرومیت از تحصیل
1	جواد مهنی تهرانی	۱۳۲۴ شیراز	۲۶ / ۱۲ / ۴۸	پلی تکلیک تهران	سال ۴ مکانیک	اعتصابات دانشگاه
2	منوچهر صنعتی	۱۳۲۸ رفسنجان	۲۶ / ۱۲ / ۴۸	"	سال ۳ برق	"
3	علی معصومی	۱۳۲۷ اراک	۱۰ / ۱ / ۴۹	"	سال ۳ مکانیک	"
4	محمد رضایاقری گرگانی	۱۳۲۷ مشهد	۱۱ / ۱ / ۴۹	"	سال ۳ ساختمان	"
5	صفر علی اسلیمی	۱۳۲۶ گرگان	۱۵ / ۱ / ۴۹	"	سال ۳ برق	"
6	محمد صادق صالحی نجف آبادی	۱۳۲۷ نجف آباد	"	"	"	"
7	علی اصغر کمانیان یارقی	۱۳۲۴ سمنان	"	"	سال ۴ برق	"
8	ابراهیم رنجکمان	۱۳۲۷ سنندج	"	"	سال سوم مکانیک	"
9	ابراهیم آل بویه	۱۳۲۶ لنگرود	"	"	سال سوم برق	"
10	محمد رضا عطریان	۱۳۲۹ رشت	"	"	سال اول شیمی	"
11	محمد اسمعیل هندسی	۱۳۲۵ رشت	"	"	سال چهارم مکانیک	"
12	علی اکبر صالحی کرجی	۱۳۲۵ بهشهر	"	"	سال سوم ساختمان	"
13	مرتضی سورمه	۱۳۲۷ مشهد	"	"	"	"
14	ناصر شایبان	۱۳۲۵ مشهد	"	"	سال چهارم برق	"
15	محمد یاقر طلیح خانی	۱۳۲۷ تهران	"	"	سال دوم نساجی	"
16	احمد زاهدی	۱۳۲۹ قم	۱۶ / ۱ / ۴۹	"	برق	"
17	محمد علی برونر سی	۱۳۲۶ اصفهان	"	"	سال چهارم برق	"
18	اصغر بوستانی	۱۳۲۸ شیراز	"	"	سال دوم مکانیک	"
19	باقر یزدانی داموندی	۱۳۲۹ آمل	"	"	ساختمان	"
20	صمد سرورج	۱۳۲۸ شیراز	"	"	سال چهارم مکانیک	"
21	اسماعیل خواجه ای	۱۳۲۶ خوی	"	"	سال سوم برق	"
22	میر رسول بنی احمد	۱۳۲۸ خوی	"	"	سال چهارم برق	"
23	محمد جعفر لطفی	۱۳۲۵ تهران	"	"	سال دوم برق	"
24	عباس کاظمی	۱۳۲۷ آمل	"	"	سال دوم ساختمان	"
25	محمد علی صالحی مشائی	"	"	"	"	"
26	مهدی وفائی	۱۳۲۵ اصفهان	"	"	سال سوم شیمی	"
27	عبدالحسین محتاجی	۱۳۲۷ مشهد	"	"	سال سوم ساختمان	"
28	عبدالمظیم گنجینی	۱۳۲۷ دزفول	"	"	سال دوم ساختمان	"
29	عبدالمجید اسدی	۱۳۲۸ کرمانشاه	"	"	سال دوم مکانیک	"
30	مهدی سهامی	۱۳۲۹ بندر بیهولی	"	"	برق	"
31	امیرحسین خوشبخت	۱۳۲۹ تهران	"	"	ساختمان	"
32	جهانبخش صفازاده	۱۳۲۵ ساری	۲۰ / ۱ / ۴۹	"	سال چهارم	"
33	حسن احمدی رسکی	۱۳۲۵ تهران	۱۷ / ۱ / ۴۹	"	سال سوم برق	"
34	حسن مهاجری	۱۳۲۶ شهمسوار	۲۰ / ۱ / ۴۹	"	سال سوم مکانیک	"
35	علی محمد صداقت آملی	۱۳۲۷ آمل	"	"	سال دوم مکانیک	"
36	حسام الدین امام	۱۳۲۷ زنجان	۲۳ / ۱ / ۴۹	"	سال چهارم	"
37	علی فروزانمهر	۱۳۲۷ مشهد	۲۴ / ۱ / ۴۹	"	ساختمان	"
38	رحمن کرامتی	۱۳۲۶ اردبیل	۲۶ / ۱ / ۴۹	"	سال دوم نساجی	"
39	محمد رضا طاهر خرم آبادی	۱۳۲۸ خرم آباد	"	"	برق	"
40	محمد مهدی صفائی	۱۳۲۷ کرمان	"	"	"	"
41	محسن درمانی	۱۳۲۴ مشهد	۳۱ / ۱ / ۴۹	"	سال سوم برق	"
42	منصور مهاجر	۱۳۲۷ تبریز	۲۱ / ۱۲ / ۴۸	"	سال چهارم برق	"
43	عوض محمد پارما	۱۳۲۵ گنبد قابوس	۲۰ / ۲ / ۴۹	"	سال دوم برق	"
44	سعید محقق منتظری	۱۳۲۸ لاهیجان	۲۶ / ۲ / ۴۹	"	سال اول نساجی	"
45	محمد رضا گیسو	۱۳۲۸ بایسل	۲۷ / ۲ / ۴۹	"	سال چهارم مکانیک	"
46	مسرور فرهنگ	۱۳۲۶ آمل	"	"	"	"
47	صمد حسن زاده	۱۳۲۷ تبریز	۲۹ / ۲ / ۴۹	"	سال دوم برق	"
48	سلیمان امینی	۱۳۲۵ تهران	۴ / ۳ / ۴۹	"	سال دوم مکانیک	"
49	لطف اله مکرمی	۱۳۲۵ بهبهان	"	"	سال چهارم ساختمان	"
50	محمد علی کتابچی	۱۳۲۸ اردبیل	۱۱ / ۳ / ۴۹	"	سال دوم برق	"
51	اسماعیل واعظ قاسمی	۱۳۲۵ لنگرود	۱۴ / ۳ / ۴۹	"	سال چهارم برق	"
52	حسن مکارمی	۱۳۲۹ شیراز	۵ / ۲ / ۴۹	"	سال دوم برق	"
53	اسماعیل ملک پور	۱۳۲۶ تهران	۹ / ۱ / ۴۹	دانشگاه آریامهر	سال چهارم برق	کم آوردن نمره!
54	خسرو یزدانکی	۱۳۲۶ تهران	۲۳ / ۱۲ / ۴۸	"	سال سوم مکانیک	"
55	بهرام عطائی	۱۳۲۶ تهران	۲۳ / ۱ / ۴۹	"	"	"
56	محمد رضا بهمن یار	۱۳۲۷ کرمانشاه	۲۳ / ۱ / ۴۹	"	"	"
57	محمد علی شهریار	۱۳۲۶ گلپایگان	۱ / ۲ / ۴۹	"	"	"
58	فرهاد سمسار	۱۳۲۶ تهران	۲۴ / ۱ / ۴۹	"	"	"
59	محمد علی شیان	۱۳۲۶ رشت	۶ / ۴ / ۴۹	دانشگاه ملی ایران	سال سوم حقوق	اعتصابات دانشگاه
60	علی اکبر عرب یعقوبی	۱۳۲۶ زابل	"	"	"	"

دنباله علیات ضربتی ...

از جمله پاسگاههایی که در هفته اخیر مورد حمله گروههای مسلح قرار گرفته اند عبارتند از: کلانتری ۵ تبریز و چنگس کلا نتری در بندر پهلوی است که در همه آنها علیات ضربتی با پیروزی و با خلع سلاح کامل کلانتری ها انجام میگیرد .

### انزاع مبارزه مسلحانه در جنگل های شمال

هم اکنون در جنگلهای شمال در اطراف شهسوار - ساری - آمل چریکها بصورت دسته های سه نفری با قوای دولتی در جنگس در نتیجه حملات چریکها گارد جنگ و ژاندارمری از ترس در مسیای ری از نقاط جنگلها را ترک کرده اند و این خود باعث شده است که اهالی بومی بتوانند با خیال راحت از جنگلها استفاده کنند .

رژیم ایران با تصور از بین بردن امکان استتار چریکها اخیر به سه بین بردن بزرگهای درختان از طریق پخش مواد سمی شیمیائی در جنگلهای شمال دست زده است .

شایع است که حسین زاده جلاذ ساواک و همچنین رئیس سازمان امنیت آمل مورد حمله قرار گرفته و بقتل رسیده اند .

### برخی از فزیرن های مسلحانه پلیس از سیاهکل

در تاریخ ۲۰ اسفند ماه چریکهای مسلح هلیکوپتر حامل سرتیپ ابراهیمی ثابت ، فرمانده ناحیه ژاندارمری کردستان و سرهنگ حبیب اله فریه ، فرمانده هنگ ژاندارمری سنندج را سرتگسون کردند و در نتیجه هردو بقتل میرسند و خلبان و تکمیسین هلیکوپتر پشت ماجروح میشوند .

پس از حادثه سیاهکل گروههای مسلح به یادگان نظامی کوماندها حمله کرده و در جریان نبرد چند افسر را بقتل میبرسانند .

در نتیجه حمله یک گروه چریک به کلانتری ظهک ( ۱۵ فروردین ) یک پاسبان به قتل میرسد . چریکها سلاحهای کلانتری را به غنیمت میبرند و سردر و اتومبیلهای کلانتری را آتش میزنند .

در ۱۶ فروردین در نتیجه حمله به بانک ملی شعبه ونسک چریکهای مسلح موفق میشوند سیصد هزار تومان موجودی بانک را با خود ببرند .

### اعدام انقلابی فرسیو

ساعت ۷ صبح ۱۷ فروردین فرسیو جلا ه با یازده گلوله مسلسل در چریک از پای درآمد و همانروز بقتل رسید .

در نتیجه حمله به کلانتریهای سه راه ضرابخانه و بلوار ناهید یک پاسبان بقتل میرسد .

در جریان خلع سلاح کلانتریهای ساری یک افسر و یک پاسبان بقتل میرسند .

در حمله به کلانتریهای تبریز ضمن خلع سلاح کلانتری ها و درگیری مسلحانه سه پاسبان بقتل میرسند و چند افسر زخمی میشوند .

### دنباله همبستگی دانشجویان ...

به مبارزات خلق ما مسائل ایران ، بویژه در ماههای اخیر به یکی از نکات مهم مورد بحث محافل و مطبوعات جهان تبدیل شده است . مسائل مربوط به بسط مبارزات خلق ما و تشدید اختناق و ترور در ایران تقریباً روزانه در معروف ترین روزنامه های جهان منعکس است .

بدلیل گسترش مبارزه جنبش آزادی بخش ملی ایران و تشدید نیکتا توری فاشیستی شاه حتی روزنامه های ارتجاعی جهان نیز خود را ناچار می بینند به جنایات رژیم ایران و اختناق ریز آفرزون در کشور ما اعتراف کنند . این واقعات را انعکاس جنایات رژیم در روزنامه ها و مجلاتی نظیر تایمز لندن ، فگاروی فرانسه و اشپینگ آلمان که از تریبونهای بزرگ غرب بشمار میروند بدرستی نشان میدهد .

مستحکم بباد همبستگی و همراهی دانشجویان و روشنفکران خارج از کشور با مبارزات خلق .

## دنباله اخبار

دختران را بلند کرده ، بر زمین میکیوبند ، لباسهایشان را پاره کرده ، آنها را با وحشیگری کاز گرفته ، با زور می بوسیدند و سپس پشت بزیز لگد و باطوم میکوبند ، بطوریکه در کتابخانه دانشکده حقوق اگر سایر دانشجویان به کمک نرسیده و به حمله متقابل علیه پلیس دست نمی زدند ، مزدوران جانی رژیم بدون تردید به دخترانی که مشغول مطالعه بودند ، تجاوز هم میکردند .

در جریان این حمله وحشیانه سه پسر و دو دختر دانشجو کشته میشوند . یکی از استادان دانشکده حقوق بنا بر اظهارات خود شواهد قتل و تصرف بوده است .

با وحشیگری پلیس درگیری و زد و خورد بالا گرفت و دانشجویان با هرچه که بدست میاورند به پلیس حمله میکردند . در این زد و خورد ها هرچه کتاب ، میز و صندلی ، درو پنجره بود از بین رفت . در جلوی در اصلی دانشگاه ، در وسط خیابان شاهرضا پلیس با یک کتک زدن مفضل یکی از دانشجویان به قصد استعمال باطوم شلوار او را پاره کرد . این بیشرمی و سبقت پلیس بحدی بود که عابرین و مردمی که شاهد این صحنه بودند به دخالت و اعتراض شدند دست زده و موفق میشوند از ادامه وحشیگری پلیس جلو گیری کنند .

بدین ترتیب تظاهرات دانشجویان و زد و خورد با پلیس به خیابان کشیده شد و تا ساعت ۱۱ شب ادامه یافت . چهار اتوبوس شز کت واحد باضافه چندین کامیون پلیس انباشته از دانشجویان دختر و پسر مجروح از دانشگاه خارج شده ، ولی نه بسوی بیمارستان ، بلکه بطرف زندانها و شکنجه گاهها . تقریباً چهارصد تا پانصد دانشجو را دستگیر کردند که هنوز از سرنوشت آنان اطلاع دقیقی در دست نیست . از روز بعد پلیس رسماً و ظناً در دانشگاه مستقر گردید و کامیونهای پلیس جلو دانشگاه ها و کلاسها ، دانشگاه ها و کلاسها تکیه تعطیل می باشند بحال آماده باش اند .

روز شنبه ۱۱ اردیبهشت زد و خورد پلیس با دانشجویان در خیابانهای اطراف دانشگاه ادامه پیدا میکند وعده ای غیر دانشجویان هم در این زد و خورد علیه پلیس فعالانه شرکت میکنند . دختر دانشجوئی با لذت تعریف میکند : یک پسر باطوم پلیسی را از ترس گرفته ، پلیسه میدوید و پسر با باطوم دنبالش .

از جمله شعارهاییکه در این جریان مبارزه از طرف دانشجویان و مردم شرکت کننده داده میشد : " ای پلیس دستت بخون خواهرم آغشته است " - " چون دماوند سرفرازیم ، جان خود در راه

خلق می بازییم " - " بند ها این بندهای تنگ را عاقبت فریاد ما خواهد گسست " - " آزادی نفس ها ، ویرانی قفس ها " . در موقع نزدیک شدن افسران پلیس این شعار داده میشد " مزدور کثیف بی شرافت برو گشوی " - " آدم دزدی را بر سر کن ای سازمان منفور " .

روز یکشنبه ۱۲ اردیبهشت ساعت ۹ صبح دانشجویان دانشگاه صنعتی تهران ( آریامهر ) برای همدردی با دانشجویان دانشگاه تهران ، کلاسها را تعطیل کردند و از ساعت ۱۰ در محوطه دانشگاه جمع شدند . تظاهرات از ده صبح تا یازده و نیم طول کشید . پس از آن دانشجویان برای صرف نهار به سالن غذا خوری رفتند . در ساعت ۱۲ در حالیکه دانشجویان مشغول صرف نهار بودند ، جماعه اراش شاه ناهان بسالن غذا خوری ریختند یک دیک لوییای داغ را روی سر دانشجویان سرازیر کردند .

لباسهای دختران را وحشیانه پاره کردند ، ساعت مچی و پولهای جیب پسران و اشیا کیف دانشجویان و بالاخره هر آنچه در دسترس شان بود ، بشماره تر و ردیلا نه تر از هر راهزنی به یغما بردند .

یورش جماعه اراش شاه انجمنان بسرعت و ناگهانی صورت گرفت که دانشجویان فرصت دفاع نیافتند . آن عده ای هم که درس داشتند یا در کتابخانه بودند از این حمله وحشیانه مأمورین پلیس مصون نماندند . نه تنها دانشجویان ، بلکه حتی استادان نیز شریک و ضروب و مجروح شدند . از جمله آقای کریکوریان ، استاد دانشکده که بدنش را مجروح کردند .

صحنه دانشگاه تهران در اینجا نیز تکرار شد . دو اتوبوس دو طبقه شرکت واحد باضافه چند کامیون پلیس انباشته از مجروحین رهسپار زندان گردیدند . در زندان حال برخی از مجروحین بقدری وخیم بوده که میضرب های شاه ناچار میشوند آنها را بسه بیمارستانهای شهربانی ، ژاندارمری و معدودی را نیز به بیمارستان مهر والوند منتقل کنند .

جماعه اراش شاه در دانشگاه صنعتی تهران ( آریامهر ) جز تعداد زیادی باطوم شکسته ایکه خون روی آن دلمه شده بود چیز دیگری بجای نگذاشتند . تعداد مجروحین و بازداشت شده گان دانشگاه صنعتی بالغ بر ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر میشوند .

دوشنبه ۱۳ اردیبهشت ، دانشگاه اقتصاد دانشگاه تهران که محلش را از دانشگاه تهران جدا کرده اند ، اعتصاب کرد و تعطیل شد .

دانشکده پلی تکنیک تهران نیز برای همدردی با دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه صنعتی تهران ( آریامهر ) اعتصاب کرد و تعطیل شد .

سایر موسسات آموزشی نیز تحت محاصره و کنترل پلیس قرار دارند . مانند دانشسرای عالی ، دانشگاه ملی وغیره وغیره .

از دوشنبه ۱۳ اردیبهشت در اکثر چهارراههای تهران یک کامانگار بر از پلیس بحالت آماده باش مستقر شده است .

### دنباله اسناد اعلامیه

#### دانشجویان و روشنفکران مبارز

تقریباً یکماه از تیرباران شدن سیزده نفر از پارتیزانهای رزمنده سیاهکل ، لاهیجان و تهران میگذرد . حکومت شاه امروز درمی یابد که مرگ آنها نیز بانه از زندگیشان برای او خطرناک است درمی یابد که مبارزه مسلحانه ، نه تنها خاموش نشده ، بلکه اکنون رزمندگان با عزمی راسختر و تجربه ای بیشتر با بیعدان گذاشته اند تا راه ما را روشن تر کنند و اراده ما را در ناسپود کردن سلطه امپریالیستی آمریکا و انگلیس که توسط حکومت شاه نمایندگی میشود ، استوار تر سازند .

جنبش چریکی سیاهکل در تسبیح مبارزه انقلابی ، اکنون چنان نقش را ایفا میکند که یک دهه مبارزه غیر مسلحانه نمی توانست ایفا کند .

اکنون در همه دست دراز شده تا سلاح این رزمندگان را بگیرد و بچنگ آید اما نه در شکست تاکتیکی سیاهکل در رابطه با کتل جنبش انقلابی خلق ما یک شکست استراتژیک برای حکومت شاه و یا نقطه عطف تاریخی در مبارزه خلق ما خواهد بود .

همانطورکه شکست تاکتیکی " چگوارا " ی کبیر اوج گیری مبارزه مسلحانه را در سراسر قاره امریکای لاتین دربی نا شت ، همان طور که شکست فیدل در " مونتگادا " انقلاب کوبا را بد نسال آورد ، سیاهکل " مونتگادا " ی ایران است ، با این تله مبارزه مسلحانه در اینجا بدون وقفه ، با نیرو و تجربه بیشتر ادامه می یابد .

بدلارید شاه از خشم فریاد بکشد و اپوزونیست های ورشکسته بسا استفاده از این شکست گذرا و تاکتیکی رجاله وار بر طیل های تسلیم طلبی خود بگویند . اینها در عزم انقلابی چریکهای فدائی خلق که باصطلاح مبارزه ( مسالمت آمیز را در شرایط بیکتاتوری سفاکانه شاه چیزی جز کتک باد اما اسارت خلق نمیدانند ، هیچ گونه تاثیری ندارد .

چریکهای فدائی خلق با حمله به پاسگاه کلانتری ظهک و تصرف مسلسل نگهبان پاسگاه و آتشزدن سردر و اتومبیلهای کلانتری ( شنبه ۱۵ فروردین ) و اعدام انقلابی فرسیو خون آشام ( چهارشنبه ۱۸ فروردین ) نشان دادند که مبارزه قهر آمیز تنها راه است و مبارزه مسلحانه ادامه خواهد داشت .

عزیز و جاوید بان با خاطره انقلابی رزمندگان سیاهکل ناپسود یاد سلطه آمریکا و انگلیس و سنه های بیربندی ظفر نمون باد همبستگی روشنفکران انقلابی و خلق موفوق باد جنبش های انقلابی همه خلقهای رزمنده

## مستحکم باد پیوند رزمنده روشنفکران انقلابی

## با جنبش آزادی بخش ملی ایران

پنجشنبه ۶ اردیبهشت (۲۹ آوریل) کارگران کارخانه چیت جهان بعلت کار طاقت فرسا و کم دستمزد، فشار و ظلم بی حساب کارفرما و زورگویی و کارشنکی و تهدیدات مداوم مامورین ساواک دست باعصاب زدند و از محل کارخانه که بین کرج و حصارک است خارج و رهسپار کرج شدند و از آنجا نینز بظرف تهران حرکت کردند .

تعداد کارکنانیکه بظرف کرج در حرکت بودند بالغ بر چهارهزار نفر میشد . در کرج مامورین ساواک و ژاندارمری مانع حرکت و پیشروی آنها به تهران شدند و این معانعت سرازاز زد و خورد بین طرفین شده و این زد و خورد تا کاروانسرا سنگی - بین کرج و تهران - ادامه داشت . در کاروانسرا سنگی پلیسها گارد شهربانی وارد صحنه گردید و کارگران بی سلاح را زیر رگبار مسلسل گرفت . در فاصله ای کوتاه چند صد نفر کارگر مجروح شدند و سه تن بقتل رسیدند . در روز بعد ، یعنی روز اول ماه مه ۱۶ نفر دیگر از مجروحین در نتیجه جراحات وارده جان سپردند و بدین ترتیب تا آتروز تعداد کشته شدگان به ۱۹ نفر بالغ گردید . در روزهای بعد نیز عده دیگری از مجروح شدگان عداد آنها هنوز معلوم نیست به شهادت رسیدند .

اعتصاب معلمین

روز اول اردیبهشت قرار بود گلبه معلمین تهران و شهرستانها اعتصاب کنند و مقدمات آنرا از یکماه قبل تدارک دیده و فراهم آورده بودند . این مبارزه از پانزده فروردین با شروع مدارس بطور فزاینده گسترش یافت . رژیم و سازمان امنیت از یکطرف مرتب از مساله معلمین و ترفیع آنان سخن میگفتند و از طرف دیگر بازداشت وسیع معلمین را علی میساختند . در همان زمان که روزنامه های ایران مرتب در باره مساله معلمین چیزی می نوشتند سازمان امنیت تا روز اول اردیبهشت تنها از تهران ۱۲۰۰ آموز کار و دبیر را بازداشت کرد . با همه اینها گروه کثیری از معلمین جنوب شهر دست باعصاب زدند . سازمان امنیت ابتدا تلاش کرد معلمین را با تهدید و فشار به کلا سها بفرستد ولی پس از آنکه همه این تلاشها بی ثمر ماند ، مامورین پلیس را به داخل مدارس گسیل دادند و برخی از معلمین را زیر فشار سرنیزه به کلا سها بردند و معلمینی را که حاضر به شکستن اعتصاب نمیشدند بازداشت کرده و روانه زندان کردند . هم اکنون محوطه در حدود دوهزار و پانصد نفر از آموزگاران و دبیران در بازداشت بسر میبرند و اکثر مدارس جنوب تهران عملا تعطیل است .

دستان و بلوچستان

اسمال در استان سیستان و بلوچستان و همچنین در جنوب ایران قحطی و گرسنگی بیداد میکند . در سیستان مردم از گرسنگی مثل برودخت در پایتخت ، توی خیابانها و کوچه ها می افتند و می میرند .

رژیم شاه جهت هزینه آرد بیندنی تهران برای جشن های دوهزارو پانصد ساله بودجه ای مبلغ هشتاد میلیون تومان اختصاص داده است .

رضائی رئیس کارخانجات ایران نورد ( در اهواز ) مبلغ یک میلیون و پانصد هزار تومان برای برگزاری جشنهای دوهزار و پانصد ساله پرداخته است . وزیر دربار نیز در قبال این رشوه برادر او دکتر رضائی را به عضویت هیات مدیره کورسوسیمس ایران ( کورمان ) منصوب می نماید .

قتل هفت مسافریک اتومبیل

در روز ۱۷ اردیبهشت در اتیان کرج یک اتومبیل سواری با هفت نفر سرنشین بعلت عدم توجه به اخطار پلیس زیر آتش مسلسل قرار

میگیرد و هر هفت نفر مسافر آن بقتل میرسند . رژیم ایران و سازمان امنیت و پلیس که در اثر ضربات بی دریغی گروههای مسلح از سایه خود نیز بیمانند ، در نتیجه این بیم و هراس و بدلیل ماهیست ذاتی خود به هر جنابیتی دست میزنند . در حالیکه اقداماتسی نظیر به آتش بستن وحشیانه اتومبیلها و رهگذران ، مراقبست ایستگاهها ، راهها ، و کنترل شدید وسایل نقلیه چه در شهرها و چه در خارج ، خود به کسرتده شدن دامنه اعتراض و بالا رفتن خشم و مقاومت عمومی و در نتیجه به اوچدیری مبارزه منتهی خواهد شد .

توطئه علیه

حضرت آیت اله خمینی

شاه به عبت تلاش دارد که با مراجعت حضرت آیت اله خمینی - پیشوای بزرگ و مبارز شیعیان جهان به ایران بتواند از فعالیت و مبارزه پر شور و قاطع ایشان علیه دیکتاتوری فاشیستی رژیم و اربابان و حامیان آن جلوگیری کند . این توطئه رژیم شاه به غیبه های گوناگون از نغمه صلح و آشتی گرفته تا تهدید و فشار انجام میگردد . از جمله اخیرا از یکسوی سرلشکر طلوعی مقدم را مامور "آشتی" میکند و از سوی دیگر به گماشتگان سازمان امنیست ماموریت میدهد که بنام حزب بحث ، تلفنی ایشان را تهدید به قتل کنند . بدنیام این تهدید تلفنی ، سفارت ایران در بغداد موزراته به دولت عراق اعتراض می نماید که چرا از جان آیت اله خمینی محافظت نمی شود . و همزمان با آن شایع میسازند که ایشان در عراق در معرض خطر جانی قرار دارند . رژیم ایران با پنداره های باطل تصور میکند که قادر است چنین مبارز سرسخت و آشتی ناپذیری را از میدان خارج کرده و یا به صلح و آشتی وادار سازد .

اعلامیه اخیر حضرت آیت اله خمینی در باره جشن ۲۵۰۰ ساله جواب دندان شکنی است به این توطئه های رژیم و نشان میدهد که نه توطئه ها و نه تضییقات و فشارهای رژیم هیچک نخواهد توانست کوچکترین خللی در مبارزه بی امان ایشان علیه استبداد محمد رضا شاه و علیه سلطه بیگانگان بر میسر ما ایجاد کند . مبارزه ایکه بدرستی شایسته یک پیشوای عالیقدر و مذهبی و یک مبارز برجسته و خستگی ناپذیر است .

در دانشگاه های ایران

در اواخر فروردین اعلامیه ای در باره نفت که در آن بدولت ایران و امریکا حمله شده بود در دانشگاه تهران پخش گردید . بعد از اعلامیه نفت ده اعلامیه مختلف در باره " جنگهای پارتیزانسی شهری " پخش شد . اوایل اردیبهشت در دانشگاه حقوق کمیته ای بنام کمیته اعانه به قحطی زدگان سیستان و بلوچستان و خراسان تشکیل شد . اعضای این کمیته با دانشگاه های دیگر همکاری نزدیک دارند . از جمله اقداماتی که این کمیته انجام داده است انتشار اعلامیه ای است که در آن دولت ایران را بعنوان عامل اصلی قحطی در سیستان و بلوچستان و خراسان مورد حمله قرار میدهد .

اوایل اردیبهشت اعلامیه دیگری علیه استبداد پادشاهی و جشن دوهزار و پانصد ساله پخش گردید .

در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه اول و دوم اردیبهشت دوازده نفر از دانشجویان دانشگاه فنی دانشگاه تهران بجرم همکلاس بودن با حمید اشرف ، یکی از نه مبارزی که تحت تعقیب قرار دارند ، به وسیله مامورین سازمان امنیت بازداشت میگردد .

دانشجویان دانشگاه فنی بعنوان اعتراض بدستگیری و رفقای خود همانروز دست باعصاب زده و بدین ترتیب کلبه کلا سهای دانشگاه تعطیل میشوند . دانشجویان روی تخته سیاه مینویسند : " شرط تشکیل کلاس آزادی دوستان است . "

عصر روز سه شنبه ۷ اردیبهشت دکتر علی اصغر حاج سید جوادی

بدعوت دانشجویان دانشگاه فنی یک سخنرانی در باره " بحران ارزشها " در سالن دانشگاه ایراد میکند . در خاتمه سخنرانی بین حاج سید جوادی و دانشجویان گفتگوی زیر در میگیرد : دانشجویان : چرا با روزنامه کیهان همکاری میکنید ؟ حاج سید جوادی : اگر همکاری نمیگرددم حالا اینجا نبودم دانشجویان - ولی آل احمد هیچوقت همکاری نکرد حاج سید جوادی سکوت میکند . دانشجویان : حالا چه باید کرد ؟

حاج سید جوادی : خودتان بهتر میدانید چه باید کرد . دانشجویان : زور را با زور جواب میدهیم بعد از این گفتگو دانشجویان حاج سید جوادی را بعلت همکاری با رژیم از سالن اخراج میکنند .

در این موقع یکی از دانشجویان پشت تریبون قرار میگیرد و شعری در باره شهید ای سیاهگل و بخاطر بزرگداشت خاطره تابناک این رزمندگان قهرمان جنبش آزادی بخش ملی ایران قرائت میکند و پس از آن به خواندن سرود کفدراسیون می پردازد . در این هنگام سه هزار دانشجوی حاضر در سالن ( مرکب از دانشجویان دانشگاه تهران ، آریا مهر و دانشسرای عالی ) بیباک و با همصدا میشوند . مامورین سازمان امنیت در دانشگاه وحشت زده و بلند گورا قطع میکنند ولی دانشجویان همچنان با خواندن سرود و دادن شعار وارد محوطه دانشگاه میشوند . در محوطه دانشگاه گروه کثیری از دانشجویان به جمع آنان پیوسته و تظاهرات دانشجویان هر لحظه دامنه بیشتری بخود میگیرد . دانشجویان در جریان این تظاهرات وسیع در اطراف محوطه دانشگاه براه افتاده و با جمع آوری کاغذ و آشغال آنها را پای مجسمه شاه ریخته و پس از درست کردن مجسمه شاه از لباسهای کهنه و مندرس این مجسمه را در وسط زباله ها قرار داده و آتش زدند . ظنین صدای شعارها و سرود های دانشجویان نه تنها داخل ، بلکه خیابانهای اطراف را نیز پر کرد . دانشجویان شعار میدادند :

" زنده بجهان هستم ، با مهر و وفا پیوستم ، آزاد سازم یارانم را ، آزاد سازم ایراننسم را " - " فرسوی مرگ مبارک " - " پیروز باد نهضت خلق ، نابود باد دشمن خلق " - " بریا ، بریا ای هومون ، یارانت شدند گگون گهن ، زندانها گشته پراز یاران ، سرها گشته دور از بدن " - " بریا ، بریا ای کارگر ، رستاخیز آغاز شد " - " بریا بریا ، ای کشاورز ، رستاخیز آغاز شد " - " بسر پا ، بریا ای هومون ، رستاخیز آغاز شد " - " ملت گرسنه جشن دوهزار و پانصد ساله نمیخواهد " - " یاران خوب ما را اعتماد کرده مزدور " - " تا مرگ این دیکتاتور نهضت ادامه دارد " - " ملت جشن نمیخواهد ، ملت نان میخواهد " - " درود ملت ایران بمبارزان جنل " - " ما فرسویها را میکشیم " .

دانشگاه از ساعت ۸ در محاصره پلیس بود ، اما تظاهرات همچنان تا ساعت ۱۰ ادامه داشت . در آنشب در روز بعد در حله و سی نفر از دانشجویان بازداشت شدند .

روز پنجشنبه نهم اردیبهشت مقامات دانشگاه باصلاح تعطیل دانشگاه فنی را اعلام کردند ولی دانشگاه کماکان در محاصره شدیدی پلیس گارزشهربانی بود و این محاصره تا شنبه شب یازدهم اردیبهشت ادامه داشت . در این شب در حدود ساعت هشت

یورش پلیس بداخل دانشگاه شروع شد و این در زمانی بود که تظاهرات در داخل محوطه دانشگاه و ظنین شعارهای دانش جوان هرچه بیشتر توجه عابرین خیابان شاهرضا را بخود جلب میکرد . پلیس وحشیانه به دانشجویان یورش برده و دانشگاه را اشغال نمود . پسرها را به قصد کشت با باطوم و لگد میزدند ، دخترها را نیز مورد حمله قرار داده لباسشان را از تشنان در آورده ، پاره میکردند و سپس آنها را با قساوت سیمانه بزر چکه و ضربات باطوم گرفته و همینکه خونین و بیهوش بر زمین میافتادند به داخل کامیونها پرتاب میکردند .

افراد پلیس حتی به چند کلاس از دانشگاه ادبیات و حقوق کسه مشغول در شمان بودند ناگهان حمله ور شدند . پس از شکستن در و پنجره و شیشه های این دو دانشگاه به کلاسها ریختند ،

بقیه در صفحه ۶

افتخار بر شهیدان کارخانه چیت جهان رزمندگان آگاه جنبش کارگری ایران

# اسناد

در این ستون ما اعلامیه ها ، اسناد و مدارک گروههای فعال جنبش آزادی بخش ملی را بچاپ میرسانیم . پس از حادثه سیاهگل تاکنون دهها اعلامیه در رابطه با این مبارزه در تهران و شهرستانها چاپ و پخش شده است . ما در این شماره پس از درج اولین اعلامیه جنبش آزادی بخش ملی ایران ، چند اعلامیه ای که در دو هفته اخیر در ایران پخش شده است چاپ میکنیم .

## اعلامیه جنبش سیاهگل و رزمندگان قهرمانش را بشناسید

جنبش سیاهگل توسط کسانی شروع شد که عاشق مردم مستکبده ایران بودند . آنها بدرستی راه نجات مردم را پیدا کردند و در این راه جان خود را فدای خلق نمودند . آنان برای دهها نانی می جنگیدند که کمرشان زیر فشار قرض بانکها خم شده و همواره زیر ستم حکومت و ارتش شاه قرار دارند . آنان بخاطر کارگرانی مبارزه میکنند که سرمایه داران بیگانه و ایدای ایرانی آنها در کارخانه ها شیره جانشان را می مکند . آنان بخاطر خلقی نبرد میکنند که اسیر جنگل امریکا و انگلیس و نوکر ایرانی آنها شاه هستند .

آنها با بذل جان خود نشان دادند که فرزند خلف مردم رنج دیده ما هستند . دشمن بیپوده سعی میکند که مهر آنها را از دل خلق بیرون کند .

شرح حال یکی از این رزمندگان قهرمان کافی است تا حکومت شاه را بیش از پیش بی آبرو کند .

رزمنده قهرمان علی اکبر صفائی فراهانی که فرماندهی چریکهای سیاهگل را برعهده داشت و بدست جلا دان شاه تیرباران شد . معلمی بود که دانش آموزان ساری هیچگاه نامش را فراموش نمی کنند .

او در سال ۱۳۴۷ به فلسطین رفت و دوشادوش فدائیان فلسطینی با ارتش اسرائیل به نبرد پرداخت . او را در سازمان " الفتح " بنام " ابو عباس " می شناسند . طی مدت کوتاهی او در آنجا فرماندهی یک گروه هشت نفری از فدائیان فلسطینی را برعهده داشت . شجاعت و قهرمانی او باعث شد تا بفرماندهی چهل نفر منصوب شود و سپس ارتش آزادی بخش فلسطین او را بفرماندهی ۱۵۰ تن از چریکهای فلسطینی انتخاب نمود . پس از یکسال مبارزه دلیرانه دوشادوش خلق رزمنده فلسطین با مقدار کمی سلاح و مهمات که هدیه فدائیان فلسطینی برای فرزند ان انقلابی میهن ما بود ، با ایران بازگشت . او و یارانش ششماه تمام جنگهای شمال ایران را شناسائی کردند ، بدون اینکه دشمن بتواند کترین رد پایی از آنها بدست آورد . سپس به همراه یاران قهرمان خود جنگ چریکی دست زد ،

انگون شاه بیگانه پرست این رزمنده فدائی ، این برادر شجاع همه رزمندگان فلسطینی را قاتل و عامل بیگانه میخواند . آری ، نزد شاه ، اربابان امریکائی و انگلیسی خودی هستند و فرزندان انقلابی خلق ما عامل بیگانه اند .

قتل عام مردم رنجبر ایران ، بیماران مردم غیر نظامی دعات ایران برای شاه حفظ امنیت است ، اما دفاع چریکهای فدائی از حقوق پایمال شده خلق ایران قتل و جنایت محسوب میشود . رزمندگان قهرمان سیاهگل بدون شك ما با مبارزه مسلحانه خود خاطره شما را عزیز و جاودان خواهیم داشت .

سلام بر پانزده شهید قهرمان سیاهگل درود بر چریکهای شهری و روستائی سراسر کشور

افتخار بر فدائیان فلسطینی

ننگ و نفرت بر شاه ، این سنگ زنجیری امریکا ، انگلیس و اسرائیل

## اعلامیه

## چرا فرسیو اعدام شد

بدنبال اعدام انقلابی فرسیو ، حکومت شاه که از وحشت و خشم به لرزه افتاده ، بیک بازی تبلیغاتی دست زده است دستگاہهای تبلیغاتی شاه بکک دستگاہهای تبلیغاتی تسلیم طلبان ورشکسته تاکید میکنند ، که کشتن فرسیو بیک ترور فردی است و اضافه میکنند که رهبران انقلابی جهان ترور فردی را تقبیح کرده اند . شاه که خود در راس باند جنایتکاران مزدور امریکا و انگلیس قرار دارد ، اکنون به رهبران انقلابی استناد می جوید تا با این چپ نمائی مسخره ، توده ها را فریب دهد و از تاثیر نگاننده اعدام انقلابی فرسیو بر ذهن آنان کم کند ، و جنایت بعدیش را توجیه نماید . واکسون توضیح چریکهای فدائی خلق :

کشتن فرسیو یک ترور فردی نبود و ما آنقدر کوتاه فکر نیستیم که خیال کنیم با از بین بردن چنین مهره هائی میتوان به تسلط امپریالیسم امریکا و انگلیس خانه داد . کشتن فرسیو تنها جوابی بود ، که میتوانستیم بمقاوم شکنی حکومت شاه بدیم . سیزده تن انقلابی رزمنده سیاهگل برای مردم و بخاطر نجات ایران از قید اسارت بیگانه جنگیدند اما دادگاههای فرمایشی نظامی شاه آنها را در یک چشم بهم زدن " محاکمه " کرد و به تیرباران محکوم نمود . حکم اعدام این رزمندگان فدائی خلق توسط دادستان و رئیس دادرسی ارتش شاه اضافه شد . این محاکمه و این حکم ، سراسر غیر قانونی و ضد خلقی بود . فرسیو میبایست توسط مردم محاکمه شود و بسزای عمل تنگین خود برسد . ولی آیا مردم ما می توانستند از حکومت شاه بخواهند ، که فرسیو را بدادگاه انقلابی بکشاند ؟ آیا تنها اظهار چنین مطلبی کافی نبود تا گوینده اثر را تیرباران کنند ؟ بر همین اساس حکم اعدام انقلابی در صبح چهارشنبه ۱۸ فروردین بدست یکدسته از چریکهای فدائی اجرا گردید .

پسرورزبان جنبش چریکی خلق ما - نابود باد سلطه دامنشانه شاه نوکر دست بسینه اربابان امریکائی و انگلیسی ! عزیز و جاودان باد خاطره پانزده شهید رزمنده سیاهگل !

## اعلامیه - بانک ها چرا و بدست چه کسانی مصادره میشود

بانکها موسسات عظیم نرولخواری هستند ، که محصول رنج و مشقت مردم زحمتکش را از دست آنان میگيرند و سرانجام بخاک سیاهشان میشانند . پولهاییکه در این موسسات جمع شده است از آن مردم است . از سوی دیگر مبارزه چریکی نیازمندیهای مالی فراوانی دارد . این نیازمندیها جز از راه مصادره انقلابی نمیتوانند برطرف شوند ، یعنی ما هرآنچه لازم داشته باشیم بزور از دشمن خویش ( سرمایه داران بیگانه و عاملین ایرانی آنان ) میگیریم . آیا این عمل را میتوان سرقت نامید ؟ خیر ! زیرا سارقین بخاطر منافع شخصی دست به عمل میزنند و برایشان فرق نمیکند که چه کسی از عمل آنان لطمه می بیند . آنها حتی همدیگر را بخاطر یک مشت پول میکشند . حال آنکه برای چریکها ، که با از جان گذشته در راه آرمان مقدس آزادی مبارزه میکنند و به دفاع مسلحانه از حقوق خلق زحمتکشان برخاسته اند چیزی بنام منافع فردی وجود ندارد . آنها همچنین تلاش دارند که بهیچ کن از افراد مردم لطمه وارد نیاید . آنچه مهم است ماهیت یک عمل است . مسلمانان اولیه بکاروانهای تجار مکه شبیخون میزدند تا نیازهای ریح را برآورند . ولی تاریخ از این مبارزات شجاعانه هرگز بعنوان قتل و غارت نام نمی برد . افتخار بر چریکهای دلآوری که محصول رنج و مشقت خلق را از گلوئ گزگهای خونخوار بیرون میکنند و آذرا پشوانه پیشرفت مبارزه آزادی بخش قرار میدهند .

رزمنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است !

## اعلامیه

# چگونه میتوان در مبارزه مسلحانه شرکت کرد و چگونه میتوان به پلیس ضربه زد

رنگ یا دوده که مقداری پرورش موتور آفشته است روی دیوارها شعار انقلابی نوشت . میتوان روی مقوا شعارهای انقلابی نوشت ، از این مقوا یک نخ محکم رد کرد و به سردیگر نسخ یک تنگ سنگ وصل کرد و سپس آنرا برروی سیم های برق انداخت . میتوان با نامه و تلفن به پلیس اطلاعات دروغین داد که ضمناً مزاحم کار چریکها نیز نمی شود و از اینراه اعصاب پلیس را خرد کرد . میتوان به خائنین شناخته شده کوچک و بزرگ و همکاری کنندگان با پلیس نامه نوشت ، خیانت آنها را محکوم کرد ، انزجار خود را نشان داد و عواقب خیانت و همکاریشان را به آنها گوشزد نمود . هرکسی با حد اقل امکان و ارتباطی تواند همه این کارها را و در آنها فعالیت دیگر از این نوع را انجام دهد و باین وسیله در مبارزه مسلحانه رهائی بخش شرکت نماید . تنگ بر شاهی که پایه حکومت خود را بر قتل و شکنجه عزیزترین فرزندان ما گذاشته است . افتخار بر کسانی که در حد خود به مبارزه مسلحانه رهائی بخش کمک میکنند . بقیه اسناد در صفحه ۴

همه میتوانند در مبارزه رهائی بخشی که شروع شده با حد اقل امکان و ارتباط شرکت کنند . کارهای کوچک وقتی جمع میشوند تاثیرات بزرگ برجای میگذارند و خود نیز به تجربه کارهای بزرگ بعدی تبدیل میشوند . چه کارهایی میتوان انجام داد ؟ میتوان با تهیه یک بطری تقریباً نازک یک لیتری که در آن نرزد یک به سه چهارم لیتر بنزین و یک چهارم لیتر روغن موتور ریخته شده و دهانه بطری با یک فتیله پارچه ای که قسمی از آن در داخل بطری و قسمی در خارج قرار دارد یک کوکول مولوتف ساده درست کرد و با آتش زدن فتیله و پرتاب آن به زیر یا به داخل ماشین پلیس ، ماشین را نابود ساخت . میتوان با قرار دادن میخهای چند پرزیر لاستیکهای ماشین آنها پنجر کرد و یا با جاقو آنها درید . میتوان با قرار دادن ترقه های پرصدا زیر لاستیک های ماشین ، اعصاب پلیس را فرسوده ساخت و یا با جاقو لاستیکهای آنها درید . میتوان با ریختن مقداری شن ریزه و یا شکر در مخزن بنزین ماشین آنها را از حرکت انداخت ، می توان اعلامیه انقلابی نوشت و بطرق مختلف پخش نمود . میتوان با

# درود بر چریک های شهری و روستائی